



حقوق متهم و بطلان تحقیقات مقدماتی؛ چالش‌ها و بایسته‌ها (در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی)

مسعود فدائی ده چشمه^۱

عسل عظیمیان^۲

سجاد جهانبازی گوجانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

چکیده

تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ نظام دادرسی ایران، به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، همسو با نظام‌های دادرسی تفتیشی بود، ولی با ابداعات قانون جدید، به ویژه در زمینه ارتقای حقوق دفاعی متهمان امر تغییر یافته است. پیش‌بینی موازینی مانند حق مطلع ساختن خویشاوندان متهم، حق معاینه پزشکی و حق مطلع شدن از حقوق دفاعی از مهمترین ابداعات این قانون است که خود حاکی از تلاش به سوی ترافی شدن تحقیقات مقدماتی می‌باشد. نصب "منشور حقوق متهم" در راهروهای پاسگاه‌های انتظامی، دادرها و دادگاه‌های جزایی به نحوی که در معرض دید مراجعان و متهمان، قرار گیرد تا آنان رعایت این حقوق را از مجریان قانون بخواهند؛ شاید که در روند اصلاحات قضایی و نحوه رسیدگی‌های جزایی آثار مفیدی برجای گذارد. نقض حقوق دیگران از جمله متهمان گناهی است نابخشودنی و از ضابطان پرتلاش دادگستری و همکاران قضایی نیز توقع می‌رود تا در رعایت دقیق آن از هیچ کوششی دریغ نورزند. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ عدم رعایت اصول لازم‌الرعایه در مرحله تحقیقات مقدماتی را موجب مجازات انتظامی قرار داده است و جایی به چشم نمی‌خورد که صراحتاً ضمانت اجرای عدم رعایت اصول لازم‌الرعایه در مرحله تحقیقات مقدماتی را موجب بطلان تحقیقات مقدماتی بداند. تبصره‌ی ماده ۶۳، ۱۰۶ و ۱۹۶ قانون مذکور موید این نظر است. این تحقیق بصورت کتابخانه‌ای-اسنادی انجام شده که ابتدا با توجه به موضوع به منبع‌یابی در رابطه با موضوع پرداختیم و سپس با گردآوری منابع به مطالعه در این زمینه پرداختیم.

واژگان کلیدی: تحقیقات مقدماتی، حقوق دفاعی، ضابطان دادگستری، تفهیم اتهام، حق داشتن وکیل.

^۱ دانش آموخته در رشته حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

Masoud.m.fadaei@gmail.com

^۲ دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

avocate.ir@gmail.com (نویسنده مسئول)

^۳ دانش آموخته در رشته حقوق، گرایش مدیریت اصلاح و کیفرهای قضایی، دانشکده پیشگیری از جرم و اصلاح و تربیت، دانشگاه علوم قضایی و

خدمات اداری، تهران، ایران. sjahanbazi1990@gmail.com

۱- مقدمه

هدف آیین دادرسی کیفری از یک سو تضمین دفاع از جامعه در برابر جرم و از سوی دیگر، رعایت حقوق افراد (بزه‌دیده و متهم) در فرایند رسیدگی کیفری است. اگرچه نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی به طور سنتی مدت‌ها این توازن را به سود حقوق جامعه برهم زده است، از سوی دیگر، برخی تحولات مثبت کشورهای دیگر که به ترافعی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی و تساوی سلاح‌ها بین طرف‌های دعوا در این مرحله انجامیده موردنظر قانونگذار قرار نگرفته است. برای نمونه، در موارد رد درخواست متهم برای انجام اقدام یا تحقیقی که به کشف حقیقت کمک می‌کند (تحقیق، معاینه محل، کارشناسی و...)، بازپرس به صدور قرار مستدل که بتوان در مرجع بالاتر به آن اعتراض کرد ملزم نشده است. موفقیت در اجرای مقررات جدید، نیازمند رفع پاره‌ای از موانع و مشکلات است. نخست، قانونگذار در مورد تحولات مورد اشاره از حقوق مقایسه‌ای و دستاوردهای آن به ویژه نظام حقوقی فرانسه، استفاده بسیاری کرده است. ولی استفاده از مطالعات مقایسه‌ای می‌تواند با چالش‌های بسیاری همراه باشد. در این باره می‌توان به مشکلات زبانی به ویژه هنگامی که با توجه به واژگان خارجی معانی متفاوت آنها آشکار می‌شود اشاره کرد. در واقع، آیین دادرسی کیفری، ترجمان فرهنگ یک کشور است و نمی‌توان یک نهاد خارجی را به طور کامل وارد نظام حقوقی خود کرد بلکه تنها می‌توان به پاره‌ای از تجربه‌های سایر کشورها رجوع کرد. دوم، جامعه عمل پوشاندن به این نوآوری‌های قانونی نیازمند سازوکارهایی است که نسبت به ایجاد آنها هنوز توجه کافی نشده است. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بی‌تردید، گام‌های مهمی را در راستای رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است. این تحولات، چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست که به موجب آن، کنشگران فرایند کیفری به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تأمین حقوق دفاعی متهمان مکلف می‌شوند. در واقع دل‌نگرانی رعایت کرامت انسانی شهروندان در دادگستری در مراحل مختلف فرایند رسیدگی کیفری به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب تصویب این مقررات توسط قانونگذار شده است. قانون آیین دادرسی کیفری ایران از این جهت مورد انتقاد قرار گرفته است که چگونه نظریه بطلان را با این درجه از اهمیت به بوته فراموشی سپرده و به صراحت نامی از آن به میان نیاورده است. امکان دارد گفته شود قانون آیین دادرسی ماهم چون بسیاری از قوانین موضوعه گرچه به صراحت، این نظریه را بیان نکرده است اما اشارات زیادی به آن دارد و

قانونگذار ایرانی به قضات خود اعتماد کرده و در برخی موارد ضمانت اجرا را به تشخیص آن‌ها واگذار کرده است.

۲- تحقیقات مقدماتی در فرایند دادرسی کیفری

تحقیقات مقدماتی در معنای وسیع کلمه به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که از زمان وقوع جرم آغاز و با کشف جرم، اقدام برای دسترسی به متهم، جمع‌آوری دلایل به نفع یا ضرر متهم، انجام بازجویی، صدور قرار تأمین و اظهارنظر راجع به بزهکاری یا بی‌گناهی متهم، خاتمه پیدا می‌کند. لیکن در مفهوم مُضیق، تحقیقات مقدماتی محدود به اقدامات قاضی تحقیق و یا ضابطان دادگستری به موجب قانون و یا ارجاع مزبور به ضابطان، در جمع‌آوری دلایل به نفع یا ضرر متهم در موارد مَصْرَح قانونی، صدور قرار تأمین برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و یا امحای آثار جرم و نیز اظهار نظر راجع به بزهکاری یا بی‌گناهی او، می‌باشد (آخوندی، ج ۵، ۱۳۸۶: ۲۶۱).

قانون جدید در مواد ۹۰ و ۹۱ در مورد تحقیقات مقدماتی مقرر می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضائی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود». ماده ۹۱: «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند».

تحقیقات مقدماتی از مراحل حساس و مهم دادرسی و از وظایف اساسی عدالت کیفری می‌باشد و صدور حکم عادلانه همیشه نیازمند به انجام آن است. این تحقیقات که به محض آگاهی از جرم شروع می‌شود، به منظور آماده کردن دعوی جزایی برای رسیدگی و تسهیل و تسریع در رسیدگی در جرایم مهم و تشخیص اتهام درست از نادرست، از اهمیت عملی و قضایی قابل توجهی برخوردار است. نتیجه تحقیقاتی مقدماتی در تعیین سرنوشت قضایی متهم نقش اساسی دارد و ممکن است او را از تعقیب کیفری معاف سازد و یا به پای میز محاکمه بکشاند لذا باید به گونه‌ای آماده شود که در زمینه شناخت حقیقت را با صحیح‌ترین صورت ممکن فراهم سازد. (باقرپور، ۱۳۸۴: ۱۰۱)

تحقیقات در سه مرحله ممکن است صورت پذیرد: مرحله ابتدایی و پیش از حضور مقام تحقیق، به ویژه در جرایم مشهود؛ مرحله میانی که در جریان تحقیق مقدماتی به معنای اخص کلمه به وسیله مقام قضایی و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری و یا اهل خبره شکل می‌گیرد؛ مرحله نهایی و در جریان دادرسی، چون قاضی دادگاه ممکن است تحقیقات بیشتر را لازم و ضروری تشخیص دهد.

۳- ضمانت اجرای تحقیقات مقدماتی

تحقیقات نیز هم‌چون سایر اقدامات دادرسی، دارای شرایط و مقرراتی است که باید رعایت شود و بخش عمده‌ای از قانون آیین دادرسی کیفری به بیان این مقررات، اختصاص دارد. با این وجود بسیاری از این مقررات جنبه تمثیلی و ارشادی دارد و حصری نیست بنابراین بازپرس می‌تواند از هر راهی که مناسب‌تر تشخیص دهد، تحقیقات را انجام داده و واقعیت را احراز نماید. گرچه مهم‌ترین رسالت قاضی تحقیق، بررسی عناصر و ارکان مادی جرم است اما در خصوص عنصر قانونی و عنصر معنوی نیز مسئولیت‌هایی دارد از جمله این که واقعه رخ داده را با عنوان قانونی صحیح تطبیق دهد، اقدامات تأمینی و احتیاطی را انجام داده و متناسب با میزان مسئولیت متهم تصمیم بگیرد و از آن‌جا که دادسرا دشمنی شریف برای متهم می‌باشد باید دلایلی را که به نفع متهم می‌باشد نیز جمع‌آوری کند. قانون‌گذار، سلاحی قوی در اختیار دادسرا قرار داده است و به او اختیار داده تا در صورت لزوم وارد حریم خصوصی متهم شده و حقوق و آزادی‌های وی را سلب کند و حتی به ضابطان نیز چنین اختیاری بدهد پس مردم باید در مقابل این اختیارات، تضمین داشته باشند تا حقوقشان، تضییع نگردد. محدوده عمل بازپرس منحصر در مقررات قانونی نیست بلکه بسیاری از آن‌ها در قالب قواعد نانوشته اما مسلم و قطعی، وجود دارد. تحقیقات مقدماتی با هدف فیصله دادن به دعوا صورت نمی‌گیرد بنابراین شاید چنین به نظر آید که نظریه بطلان در این‌جا کاربردی ندارد زیرا هر تخلفی صورت گیرد در دادگاه، مردود دانسته شده و مورد عمل قرار نمی‌گیرد پس نیازی به بطلان در دادسرا ندارد. این ادعا، صحیح نیست زیرا در مرحله‌ی تحقیقات نیز تصمیمات مهمی اتخاذ می‌گردد که با حقوق و آزادی‌های اشخاص در ارتباط است پس باید به صورت صحیح و مطابق با قانون باشد. اصل بر آن است که تحقیقات مقدماتی را در دادسرا انجام می‌دهد و در دادسرا نیز اصل بر صلاحیت بازپرس می‌باشد اما آنچه مسلم است تحقیقات مقدماتی به موجب قانون یا از راه واگذاری ممکن است توسط ضابطان دادگستری انجام شود و در جرایم کم اهمیت یا منافی عفت یا جرایم اطفال از سوی دادگاه

صورت گیرد. پس تصمیمات ضابطان توسط دادسرا و تصمیمات دادسرا توسط دادگاه قابل ارزیابی است و چنانچه عملی برخلاف قانون صورت گرفته باشد قابل ابطال می‌باشد.

دادسرا فقط قرار جلب به محاکمه و کیفرخواست صادر نمی‌کند بلکه ممکن است قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب یا تعلیق تعقیب را صادر نماید که دادرسی را خاتمه می‌دهد بنابراین در چنین مواردی نیز چنانچه تصمیم اشتباه گرفته شود باید نظریه بطلان را اجرا کرد زیرا این نظریه فقط برای مصلحت متهم و تأمین حقوق وی نیست بلکه حقوق جامعه و شاکی خصوصی نیز باید تأمین شود و متهم بر اثر تصمیم باطل، براءت حاصل نکند. دادگاه انتظامی قضات، تحقیقات از شهود در محل وقوع جرم با حضور متهم و بازجویی علنی از متهم را تخلف دانسته است. این اقدامات برخلاف اصل سری بودن تحقیقات مقدماتی است اما بعید می‌نماید که اقدامات انجام شده بکلی باطل باشد. (حکم شماره ۷۶۷-۲۶ آبان ۱۳۰۹ به نقل از شهیدی، ۱۳۴۰: ۳۷۵).

۴- موارد لازم الرعایه حقوق دفاعی متهم و عدم بی‌اعتباری تحقیقات در عدم رعایت آنها

موارد لازم الرعایه حقوق دفاعی متهم و عدم ضمانت اجرای بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی را در سه قسمت: قبل از شروع به بازجویی، در اثنای بازجویی و نزد ضابطان دادگستری مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۱- موارد لازم الرعایه حقوق دفاعی متهم قبل از شروع به بازجویی

با توجه به موقعیت ویژه امر تحقیق از متهم در فرآیند تحقیقات مقدماتی، برحسب اصول دادرسی منصفانه قبل از شروع بازجویی تضمینات دقیقی در حمایت از حقوق دفاعی متهمان در نظام‌های دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. بازپرس و یا ضابطان دادگستری به نمایندگی از سوی بازپرس و یا به مباشرت در جرایم مشهود، مکلف به رعایت تضمینات مزبور هستند. در ادامه موارد لازم الرعایه حقوق دفاعی متهمان قبل از شروع به بازجویی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۱-۱- ضرورت وجود دلایل کافی

به منظور حمایت از اصل مزبور، با عنایت به لزوم رعایت اصل برائت در نظام های دادرسی کیفری لزوم تحقق بار اثبات، الزامات مخصوص در کلیه مراحل رسیدگی مقرر شده است. از جمله این الزامات اتهام به عهده مقام تعقیب و شاکی خصوصی از طریق تحصیل و ارائه دلایل قانونی و مشروع و منطبق با موازین دادرسی منصفانه نزد مقامات قضایی تحقیق و رسیدگی است. لذا امر بازجویی نیز که یکی از اقدامات حساس مرحله تحقیقات مقدماتی است، متوقف بر تحصیل و ارائه دلیل کافی مبنی بر توجه اتهام هرچند متنی که به صراحت، از سوی مقام تعقیب و شاکی خصوصی است. در حقوق کیفری ایران احضار و جلب متهم برابر ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ باید در صورت وجود دلیل کافی برای توجه اتهام بوده و تخلف از آن وفق تبصره ذیل این ماده مستوجب محکومیت انتظامی تا درجه چهارم می‌باشد.

۴-۱-۲- تذکر به مواظبت در اظهارات و عدم پرسش تلقینی

اهمیت بازجویی و آثار ناشی از آن ایجاب می‌کند، فردی که در مظان اتهام است و به عنوان متهم مورد بازجویی قرار می‌گیرد، غالباً مرعوب اوضاع و احوال خاص محیطی می‌شود که بازجویی در آن محیط در جریان است و از این رو کنترل و تسلط دقیقی برگفتار یا بعضاً رفتار خود ندارد و ممکن است مطالبی را در آن شرایط روحی و روانی بر زبان آورد که موجبات تضرر وی را فراهم کند. از این رو قانونگذار، بازجو اعم از ضابط دادگستری یا قاضی تحقیق را مکلف کرده که به متهم تذکر دهد تا مواظب اظهارات خود باشد و از این طریق از تضییع حق وی جلوگیری شود. متهم در پاسخ به پرسش‌های مقامات قضایی و با احتیاط و حزم و دوراندیشی عمل کند و به واسطه اظهارات نسنجیده، موجبات گرفتاری خود را فراهم نکند. آگاهی متهم از این نکته بسیار اساسی و مؤثر در سرنوشت قضایی او مؤثر است، اما اشخاص به ویژه هنگامی که به عنوان متهم و آن هم بار اول نزد مقامات قضایی و انتظامی حاضر می‌شوند، آنچنان از حالت روحی و روانی غیر عادی و نگرانی مخصوص برخوردارند که قادر به درک جایگاه بازجویی و آثار و به احتمال زیاد، تبعات ناشی از آن نیستند و چنانچه هشدارهای لازم قبل از انجام تحقیق به ایشان داده نشود، با اظهارات ناصواب موجب لطمه به آبرو و حیثیت، آزادی، مال یا حتی جان خود می‌گردند. از این رو تمهیداتی به منظور انجام بازجویی، نظام‌های دادرسی کیفری برای حمایت از حقوق دفاعی اشخاص مقنن اندیشیده شده است.

به موجب ماده ۱۹۵ قانون دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بازپرس پیش از شروع به تحقیق باتوجه به حقوق متهم به وی اعلام میکند مراقب اظهارات خود باشد سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم میکند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند پرسش‌ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است. تبصره وکیل متهم میتواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد».

از آنجایی که در ماده واحده قانون آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳ طرح پرسش‌های تلقینی یا همراه با اغفال و اکراه و اجبار ممنوع دانسته شده است و این ماده واحده به موجب ماده ۷ قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲ دارای ضمانت اجراست لذا می‌توان برای این ماده علاوه بر ضمانت اجرای انتظامی مقرر در ماده ۱۹۶ ق.آ.د.ک ضمانت اجرای کیفری مقرر در ماده ۷ این قانون را نیز جاری دانست (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۱۹). تذکر به مواظبت در اظهارات، همان تکلیفی است که پلیس در حقوق انگلستان به هنگام شروع بازجویی از متهم در این زمینه دارد، به موجب این تکلیف پلیس قبل از شروع به بازجویی باید به متهم توضیح دهد چنانچه مطلبی بیان کند ثبت خواهد شد و ممکن است به عنوان دلیل علیه وی استفاده شود».

۴-۱-۳- عدم تفهیم اتهام با ذکر دلایل

متهم دارای حقوقی است و مقامات قضایی در تصمیمات و اقدامات خود در مورد متهم تکالیفی دارند و باید قواعدی را رعایت کنند. این حقوق و تکالیف از موضوعات مهم آیین دادرسی هستند. اطلاع مقامات قضایی و انتظامی از حقوق متهمان و عمل به قانون در رفتار با آنها از جمله موارد مهمی است که موجب اعتبار دادرسی می‌شود. برخی از اساتید از تفهیم اتهام چنین تعریفی ارائه نموده‌اند: اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد» (آشوری، ۱۳۸۴، ج ۲، ۸۷)

اتهام به معنی تهمت وارد کردن و در حقوق کیفری، نسبت دادن ارتکاب جرمی است به شخصی از همین عبارت کوتاه معلوم می‌شود که برای متهم کردن فرد سه شرط لازم است: اولاً: عملی که به فرد نسبت داده می‌شود باید جرم باشد یعنی از جمله رفتارهایی باشد که در قوانین کیفری جرم انگاری شده باشد و برای آن مجازات تعیین شده باشد بنابراین اگر عملی غیر

از جرم به شخصی نسبت داده شود، هرچند از نظر اجتماعی قبیح باشد اتهام محسوب نخواهد شد. به طور مثال، اگر به کسی نسبت بی ادبی یا بی احتیاطی داده یا صفت خسیس بودن داده شود مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی یا اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها جرم نیستند و لذا این شخص متهم به ارتکاب جرم نیست. ثانیاً: باید ادله و قرائن مبنی بر ارتکاب جرم توسط فرد وجود داشته باشد تا بتوان وی را متهم کرد. ثالثاً: فرد موضوع انتساب باید قابلیت و توانایی ارتکاب جرم یا به عبارت بهتر مسئولیت کیفری را داشته باشد. با بیان شروط فوق روشن می‌شود که متهم کردن افراد با دو اصل مهم حقوق کیفری یعنی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل برائت و همچنین با قواعد مربوط به مسئولیت کیفری در ارتباط است. بیان کلمات «صریح» و «تفهیم» در ماده مذکور، بیانگر آن است که بیانات با جزئیات و دلایل آن باید به گونه‌ای صورت گیرد که متهم آنرا کاملاً درک کند. برای مثال، اگر شخصی به عنوان معاونت در اختلاس تحت تعقیب است، قاضی یا دادگستری باید ضمن تبیین مفهوم اختلاس از نظر حقوقی، عمل متهم را به عنوان یکی از مصادیق معاونت مذکور در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی به همراه دلایل توجه اتهام توضیح دهد و به درک کامل وی برساند. (موذن زادگان، ۱۳۸۹: ۳۱۱)

در مورد تفهیم اتهام و ضمانت اجرای آن ماده ۱۹۴ و ۱۶۹ به ترتیب مقرر می‌دارند: بازپرس در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌نماید، محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند و در غیر این صورت، احضاریه‌ها و سایر اوراق قضائی به محل اقامت اعلام شده قبلی فرستاده می‌شود. تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و تعلل به گونه‌ای که ابلاغ اوراق دشوار باشد، پذیرفته نیست و تمام اوراق در همان محل اعلام شده قبلی ابلاغ می‌شود. تشخیص تغییر محل به منظور تأخیر و تعلل، با مقامی است که به اتهام رسیدگی می‌کند. رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی نیز لازم است. ماده ۱۹۶- تخلف از مقررات مواد (۱۹۳) تا (۱۹۵) این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

۴-۱-۴- اعلام حق سکوت

با توجه به آن که اتهام را می‌توان اعلام رسمی مراجع صلاحیت‌دار مبنی بر وجود ادعاهای اثبات نشده‌ای دال بر ارتکاب جرم توسط یک فرد دانست، تکلیف به اعلام حق سکوت زمانی به وجود می‌آید که بر طبق قانون آیین دادرسی کیفری، قرار دستگیری که از آن به اقدامی موجب

جهت سلب آزادی متهم برای انجام تحقیق توسط ضابطان و مقام قضایی تعریف شده صادر و یا احضاریه‌ای جهت حضور نزد مرجع قضایی برای متهم ارسال شده باشد صدور قرار دستگیری و یا ارسال احضاریه نیز باید متکی بر دلیل باشد زیرا هرچند بر طبق ماده ۱۸۰^۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مواردی بازپرس می‌تواند بدون آنکه ابتداء احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند.

اما ماده مذکور، تابع مواد دیگری از قانون آیین دادرسی کیفری است که احضار متهم و یا دستگیری وی را مشروط به وجود دلیل کرده‌اند. در ماده ۱۶۸ از این قانون صراحتاً مقرر شده است: بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند. تبصره تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

در ماده ۱۹۷ از این قانون که بیان می‌دارد متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود. بدین ترتیب زمانی فرد، عنوان متهم به خود گرفته و از حق سکوت برخوردار می‌شود که دلایل محمول بر صحتی توسط شاکی یا دادستان، ارائه و بر اساس آن، قرار دستگیری، صادر و یا احضاریه‌ای برای متهم ارسال شود. به‌رغم آن چه که مطرح گردید، در خصوص حق اعلام سکوت باید میان زمان دستگیری متهم و ابلاغ احضاریه، قائل به تفکیک گردید. بدین گونه که در زمان دستگیری، متهم برای رهایی از وضعیت بوجود آمده، ممکن است اظهارات نسنجیده‌ای نزد ضابطان دادگستری مطرح نماید که متعاقباً به زیان وی تمام شود. همانگونه که برخی نیز معتقدند این امر باعث می‌شود که وکیل در مراحل بعدی دادرسی نیز نتواند آن را جبران نماید (گلدوزیان، ۱۳۷۵: ۱۴۱).

به همین دلیل ضابطان باید به وظیفه خود در اعلام حق سکوت در حین دستگیری متهم عمل نمایند. این در حالی است که در زمان ابلاغ احضاریه، متهم با اقداماتی که باعث سلب حقوق و آزادی‌های وی می‌گردد، مواجه نبوده، بلکه باید ظرف مهلت مقرر نزد مرجع قضایی

^۱ ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در موارد زیر بازپرس می‌تواند بدون آنکه ابتداء احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند:

الف- در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو و یا حبس ابد است

ب- هرگاه محل اقامت، محل کسب و یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسد.

پ- در مورد جرائم تعزیری درجه پنج و بالاتر در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود، بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود.

ت- در مورد اشخاصی که به جرائم سازمان یافته و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی متهم باشند.

حاضر شود و بدینسان تکلیفی در اعلام حق سکوت وجود ندارد پس از اعلام حق سکوت، وظیفه دیگری که در حین دستگیری بر عهده ضابط دادگستری قرار دارد، آن است که اخطار دهد در صورت هرگونه اظهارنظر از سوی متهم، این اظهارات ممکن است به عنوان دلیل، علیه وی در دادگاه مورد استفاده قرار گیرد. این اخطار هم اکنون در بسیاری از کشورهای با نظام کامن‌لا و رومی ژرمنی مورد پذیرش قرار گرفته است (آشوری، ۱۳۷۵: ۱۱۴).

علت آن است که پس از تفهیم اتهام در زمان دستگیری، نمی‌توان از متهم انتظار داشت سکوت کرده و در دفاع از خود مطالبی را مطرح ننماید. با توجه به آن چه که مطرح گردید، به نظر می‌رسد قانون آیین دادرسی کیفری از عهده تضمین این حق برنیامده است. زیرا در ماده ۱۹۵ این قانون آمده است: قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم و ... متذکر می‌شود که مواظب اظهارات خود باشد و...». بدین ترتیب، از عبارت مذکور نه تنها تکلیف مقام قضایی در اعلام حق سکوت متهم بلکه اخطاری راجع به آن که اگر متهم مطالبی را بر زبان جاری سازد، ممکن است علیه وی در دادگاه مورد استفاده قرار گیرد، قابل استنباط نیست. برخلاف قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود بدین ترتیب، پس از سالیان متمادی در قانون مذکور، رویه شناخته شده در جهان مبنی بر تکلیف مقام قضایی به اعلام حق سکوت، مورد پذیرش قرار گرفته است اما فاقد ضمانت اجرا می‌باشد که از یک سو به عنوان عاملی بازدارنده برای جلوگیری از تخلف احتمالی مقام قضایی و از سوی دیگر به عنوان جبرانی مؤثر برای تظییین حق متهم محسوب شود. در قانون آیین دادرسی کیفری سخنی از تکلیف ضابطان در خصوص اعلام حق سکوت به متهم به میان نیامده است و هیچ یک از مقامات پلیس و قضایی نیز مکلف به دادن اخطار به متهم در خصوص عواقب اظهارات وی نشده‌اند باتوجه به آن که سکوت پس از تفهیم اتهام، حق متهم محسوب می‌شود، اجبار وی به اقرار و یا هرگونه اظهارنظری در خصوص مورد اتهام، غیرقانونی محسوب شده و نمی‌تواند مستند حکم دادگاه قرار گیرد. لزوم آگاهی یافتن بزه دیده از حقوق خود در فرآیند دادرسی کیفری نشانگر توجه بزه‌دیده‌شناسانه قانونگذار به شخص بزه‌دیده است به عبارت دیگر آگاهی یافتن بزه‌دیده از حقوق خود در فرآیند دادرسی از ره‌آورد‌های بزه دیده‌شناسی به عنوان یکی از علوم جنایی تجربی می‌باشد.

علی‌ا‌یحال یکی از معیارهای دادرسی منصفانه و عادلانه که در اسناد حقوق بشری به آن تاکید شده است برخوردار می‌باشد از حقوق خود در فرآیند دادرسی و لزوم آگاهی متهم در مورد

داشتن این حقوق است که به نظر میرسد ضمانت اجرای عدم رعایت این حقوق، ابطال آن تحقیقات باشد.

۴-۱-۵- حق داشتن وکیل

امروزه حق بهره‌مندی از وکیل یا مشاور حقوقی در تمام فرایند قضایی مورد احترام است. اهمیت کلیدی این حق در کنار سایر اوصاف دادرسی عادلانه به حدی است که یکی از شرایط ایجاد دادرسی عادلانه برخورداری متهم از حق داشتن وکیل است. نقش وکیل متهم در تمام مرحله‌های دادرسی از نظر نظام عدالت کیفری مهم و تعیین کننده است و به متولیان رسیدگی به جرم در تصمیم‌گیری قضایی کمک کرده و از اشتباهات قضایی جلوگیری می‌کند. ضرورت حضور وکیل متهم در مراحل مختلف دادرسی بدان معناست که متهم در برابر دادستان در صورت نبود وکیل تنها می‌ماند و دادستان با اشراف کامل به اصول و مقررات حقوقی و باتوجه به امکانات قضایی نسبت به متهم در موقعیت برتری قرار می‌گیرد و در چنین شرایطی لازم است وکیل آزادانه از موکل خویش در برابر دادستان که از جامعه دفاع می‌کند به دفاع بپردازد. در کشور ما شرکت وکیل متهم در جرائم مستوجب قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد اجباری می‌باشد. در این مورد ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ازش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند». در ادامه این ماده آمده است: «در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضائی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند».

علاوه بر این مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همه دادگاه‌ها طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود. قانونگذار برای اشخاصی که توان پرداخت دستمزد وکیل را ندارند، امکان استفاده از وکیل معاضدتی را پیش‌بینی نموده است. حق متهم بر داشتن وکیل در مراحل دادرسی منطبق بر قانون جدید ۱۳۹۲ برخوردار از جنبه‌ها و نکات مثبت بسیاری است. توجه قانونگذار به حق متهم در برخورداری از وکیل تا آنجا پیش رفته است که مقرر داشته

چنانچه، متهم در جرائم موجب مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد در مرحله تحقیقات مقدماتی اقدام به معرفی وکیل نکند، لازم است بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب نماید. ماده ۱۹۰ مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.

تبصره ۱- سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است.^۱

تبصره ۲- در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.

تبصره ۳- در مورد این ماده و نیز چنانچه اتهام مطرح مربوط به منافی عفت باشد، مفاد ماده (۱۹۱) جاری است.

حق داشتن وکیل تحت عنوان اصل بهره‌مندی از وکیل یکی از اصول دادرسی عادلانه است و رعایت آن عدالت را تأمین می‌کند. در اسناد حقوق بشری و در قوانین داخلی اکثر کشورها حق داشتن وکیل یکی از حقوق اساسی برای برقراری یک محاکمه عادلانه و تضمینی برای حفظ حقوق متهم است. اصل الزامی بودن حق داشتن وکیل در کلیه مراحل دادرسی‌های کیفری در قوانین عادی و اساسی کشورمان پذیرفته شده (آشوری، ۱۳۷۹: ۲۶۸) و به عنوان اساسی‌ترین تضمین‌های حقوق دفاعی متهم پذیرفته شده است و شرکت وکیل مدافع را در جرائم مستوجب قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد اجباری کرده است. در واقع حق داشتن وکیل برای متهم از زمان کشف جرم تا زمان اجرای حکم صادره از مهمترین تضمینات حقوق دفاعی متهم است و عقل و انصاف حکم می‌کند که با پیچیده شدن مسائل حقوقی به ویژه در امور کیفری که با آبرو، حیثیت، جان و مال افراد در ارتباط است، متهم بتواند در دفاع از خود که مستلزم آگاهی از قوانین

^۱ این تبصره قبل از اصلاح در سال ۹۴ ضمانت اجرای «بی اعتباری تحقیقات» را پیش بینی کرده بود. این درست چیزی بود که این مقاله به دنبال آن است که متأسفانه یا خوشبختانه از قانون حذف شد.

و مسائل حقوقی است از وجود وکیل مدافع برخوردار شود زیرا وکیل با اتکا به اطلاعات و تجارب حقوقی خود و با ارائه دفاع موجه و مبتنی بر اصول و مبانی حقوقی موجب رفع اتهامات ناروا علیه موکل می‌شود (موذن زادگان، ۱۳۷۳: ۱۷۸).

حضور وکیل متهم در مراحل مختلف دادرسی بدان علت است که متهم برابر دادستان در صورت نبود وکیل تنها می‌ماند و دادستان با اشراف کامل به اصول و مقررات حقوقی و با توجه به امکانات قضایی نسبت به متهم در موقعیت برتری قرار می‌گیرد و در چنین شرایطی لازم است وکیل آزادانه از موکل خویش در برابر دادستان که از حقوق جامعه دفاع می‌کند به دفاع بپردازد (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۱۴). از این طریق اصل تساوی سلاح‌ها که برگرفته از دادرسی منصفانه است رعایت خواهد شد.

۴-۲- موارد لازم الرعایه حقوق دفاعی متهم در اثنای بازجویی

مقامات قضایی و انتظامی پس از فراهم نمودن مقدمات بازجویی و رعایت حقوق دفاعی متهمان، در اثنای بازجویی نیز باید حقوق دفاعی متهمان را کاملاً مورد توجه قرار دهند. قواعدی که در اثنای بازجویی و برای تضمین حقوق دفاعی متهمان باید مورد توجه و رعایت قرار گیرد، با محوریت حمایت از آزادی دفاع و حفظ حرمت و کرامت انسانی مطرح است. به موجب این قواعد درحین بازجویی، آزادی مطلق متهمان از حیث روحی و جسمی کاملاً تضمین می‌شود. روش‌های شناخته شده‌ای که می‌تواند مخل آزادی دفاع باشد، در این مبحث مطالعه می‌گردد.

۴-۲-۱- منع پرسش‌های القایی

از جمله اموری که می‌تواند بر روحیه افراد تاثیرگذار باشد و در نظام‌های دادرسی کیفری ممنوع اعلام شده است، طرح سوالات القایی است. پرسش‌های مطروحه باید رافع تاثیر غیرمنطقی بر عواطف و احساسات متهم باشد. اساساً طرح اینگونه پرسش‌ها نه تنها بر روحیه افراد ضعیف‌النفس تاثیرگذار است و تحت تاثیر تلقین به جرم ناکرده اعتراف می‌نمایند، بلکه در مورد افراد عادی نیز مؤثر واقع می‌شود (حکمت، ۱۳۷۰: ۹۸).

بنابراین از طرح این گونه سوالات به شدت در اثنای بازجویی باید اجتناب شود. در پرسش‌های القایی نوع سوال به گونه‌ای است که افراد را به پذیرش اتهام تحریک و سوق می‌دهد. مثلاً طرح این سوال از شخص متهم به ارتکاب سرقت اتومبیل که آیا اتومبیل ربوده شده توسط شما آبی یا قرمز بوده است، تلقینی است زیرا ناخودآگاه فرد را به پذیرش اتهام سرقت و تفکر در مورد

یادآوری رنگ آن وادار می‌کند. سوال صحیح این است که آیا اتهام سرقت اتومبیل مدل... را با توجه به دلایل... قبول دارید یا خیر؟ طبق ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری در حقوق ایران طرح سوالات القایی ممنوع شده است و برای آن ضمانت اجرای محکومیت انتظامی مقرر شده است. پس از تفهیم اتهام بازپرس شروع به پرسش می‌کند پرسش‌های بازپرس برای متهم باید مفید و روشن و در ارتباط با موضوع اتهام باشد نه چیز دیگر در حقوق برخی از کشورها مثل فرانسه طرح پرسش‌هایی خارج از موضوع اتهام تفهیم شده به متهم منجر به ابطال تحقیقات مقدماتی می‌شود در حالی که قانون ایران چنین ضمانت اجرایی اصولاً پیش بینی نشده است. اما در باب فرجام خواهی قانون گذار قایل به تفکیک شده است در ماده ۴۶۳ از قانون آیین دادرسی - کیفری ۱۳۹۲ بند (ب) آن، که اعلام میدارد: «ادعای عدم رعایت اصول دادرسی با درجه‌ای از اهمیت منجر به بی‌اعتباری رای دادگاه» که اگر اصول دادرسی از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی باشد دادگاه مکلف است آن را رعایت کند و منوط به ایراد و اعتراض طرفین نیست مانند برگذاری جلسات دادگاه به صورت توافقی یا رعایت حقوق اصحاب دعوا که قانونگذار داگاه را مکلف به رعایت آن حقوق کرده است و عدم رعایت موجب نقض رای می‌گردد.

۴-۲-۲- اغفال متهم

مفهوم اغفال این است که پلیس یا مقام تحقیق در ضمن تحقیقات خویش به منظور کشف جرم نباید متهم را فریب دهد و مثلاً به او بگوید اسنادی در اختیار دارد که ارتکاب جرم توسط او محرز می‌کند در حالی که واقعاً چنین اسنادی وجود نداشته باشد. اقراری که بدین شکل بدست آید قابل ترتیب اثر دادن نیست این اغفال در بازجویی حضوری از متهم را می‌توان در قوانین به صورت روشن ممنوع کرد. گرچه نظارت بر رعایت این امر در سوالات شفاهی که توسط بازپرس پرسیده می‌شود امر دشواری است در حقیقت به سختی می‌توان غافل‌گیری متهم را در بین سوالات کتبی که در صورت جلسات بازجویی منعکس شده متوجه شد. زیرا نه تنها اوضاع و احوال حاکم در زمان پرسش سوال در صورت جلسات منعکس نمی‌گردند که سوالات شفاهی نیز عیناً درج نمی‌شوند. فریب متهمان از طریق جلب اعتماد ایشان به وعده‌های دروغ به معافیت یا تخفیف مجازات برای اعتراف به ارتکاب جرم و سایر موارد موجب اخلال به حقوق دفاعی است. اینکه قضات تحقیق و ضابطان دادگستری در اثنای تحقیق برای اخذ اقرار از متهم، متوسل به وعده‌های خوشایندی شوند که عملی ساختن آنها از حیطة اختیارات ایشان خارج باشد، از مصادیق بارز فریب یا اغفال متهم است. همچنین، اگر دو نفر بازجو هنگام بازجویی به صورت

تصنعی نقش‌های متفاوتی به خود گیرند و در نتیجه، با جلب اعتماد متهم از وی اخذ اطلاعات نمایند، به حق دفاع وی خدشه وارد کرده‌اند؛ از قبیل اینکه یکی از بازجویان در نقشی خشن و غیرقابل انعطاف ظاهر شود و دیگری خود را مهربان و دلسوز نشان دهد و متهم تحت فریب ظاهر شخصیت بازجوی اخیر و به امید مساعدت او در رهایی از وضعیت نابه‌هنجار خود به جرم ناکرده اقرار نماید (آیین‌پور، ۱۳۶۱: ۲۸).

با توجه به این که اغفال و سؤال‌های تلقینی بر سلامت قوه تصمیم‌گیری فرد تأثیر می‌گذارند، بنابراین به کارگیری این روش‌ها می‌تواند تحت شمول ممنوعیت این اصل قرار گیرد. با این حال، در برخی کشورها از این روش‌ها در سطح وسیع استفاده می‌شود. چنانکه در نیم قرن اخیر در برخی کشورها در کنار شکنجه روحی، از روش‌های اغوا و فریب نیز استفاده شده است. بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی در این باره مقرر می‌دارد: «پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده موردبررسی احتراز گردد».

۴-۲-۳- اکراه و اجبار

اکراه و اجبار متهم در پاسخ به پرسش‌های حین بازجویی از مصادیق بارز تجاوز به حقوق دفاعی متهمان است. اکراه و اجبار متهمان برای اخذ اقرار از طریق اعمال شکنجه‌های جسمی یا روحی صورت می‌گیرد. شکنجه متهمان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر به شدت ممنوع شده است. مهمترین کنوانسیون بین‌المللی در این زمینه، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر روشهای موهن در اثنای تحقیقات و بازجویی مصوب ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد است.

ماده ۱ کنوانسیون مزبور در تعریف شکنجه مقرر می‌دارد: «واژه شکنجه به هر عملی اطلاق می‌شود که عمدتاً درد یا رنج‌های جانکاه جسمی یا روحی به شخص وارد آورد، خاصه به قصد اینکه از این شخص یا شخص ثالث اطلاعات یا اقرارهایی گرفته شود یا به اتهام عملی که این شخص یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب جرم است، تنبیه گردد، یا این شخص یا شخص ثالث مرعوب یا مجبور شود و یا به هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد. منوط بر اینکه چنین درد و رنج‌هایی به‌دست کارگزار دولت یا هر شخص دیگر که در سمت رسمی مأمور دولت بوده است، یا به ترغیب یا با رضای صریح یا ضمنی او تحصیل شده

باشد». این واژه درد و رنج‌هایی را که منحصرأً از اجرای مجازات‌های قانونی حاصل می‌شود و ذاتی یا مسبب چنین مجازات‌هایی است، در بر نمی‌گیرد (امیرارجمند، ۱۳۸۰: ۴۹۷). در این مورد بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین‌وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت». در ماده ۵۷۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در مورد اخذ اقرار با آزار و اذیت بدنی متهم آمده است: «هریک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم بواسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت».

۴-۲-۴- منع کاربرد روش‌های علمی مخل حق دفاع

بند ۱۰ ماده واحده قانون حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد: «تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند. همانطور که ملاحظه می‌شود، ماده مزبور استفاده از اصول و شیوه‌های علمی قانونی را به هنگام بازجویی مجاز شمرده است اما مفهوم شیوه‌های علمی و مصادیق آنها توسط قانونگذار به منظور حقوق دفاعی متهمان مشخص نشده است. از آن جهت که ممکن است برخی تصور کنند همه شیوه‌های علمی هنگام بازجویی از متهمان مجاز و قابل استفاده است، تبیین این نکته ضروری است که وفق اصول دادرسی منصفانه، آن دسته از شیوه‌های علمی که به حقوق دفاع لطمه وارد می‌کند، هنگام بازجویی از متهمان منع شده است. از جمله روش‌های علمی که در روان پزشکی استفاده می‌گردد، ولی علمای دادرسی کیفری کاربرد آن را هنگام بازجویی مخل حقوق دفاعی می‌دانند، شیوه نارکو - آنالیز است. در این شیوه، متخصصان با تزریق محلول‌های خواب‌آور (مواد مخدر) از قبیل آمیتال، اسکوپولامین و پنتوتال در فرد مورد نظر خود، به درون روان ناخودآگاه وی نفوذ کرده، نیروی مقاومت او را درهم شکسته و مطالبی را افشا می‌نمایند (کی‌نیا، ۱۳۶۷: ۱۶)

با توجه به این که روش مزبور به سلامت و آزادی اراده متهم هنگام بازجویی خدشه وارد می‌کند، محل حق دفاع محسوب و کار برد آن هنگام بازجویی ممنوع اعلام شده است. در حقوق فرانسه، استفاده از روش مزبور به جهات فوق الذکر در بازجویی ممنوع است. (همان)

بنابراین، مقنن یا حداقل رویه قضایی مبتنی بر اصول دادرسی منصفانه باید به تبیین شیوه‌های علمی صحیح بازجویی پرداخته، به طور صریح و شفاف آن دسته از روش‌های علمی را که هنگام بازجویی محل حقوق دفاع محسوب می‌شوند، ممنوع اعلام و ضمانت اجرای مناسب کیفری، انتظامی و بطلان برای کاربرد آنها را پیش‌بینی کند.

۴-۳- موارد لازم الرعایه حقوق دفاعی متهم نزد ضابطین دادگستری

ضرورت اعمال اصل تساوی سلاحها (پیش‌بینی امکانات برابر برای طرفین دعوی و دفاع) به عنوان محور دادرسی منصفانه، ایجاب می‌کند که در قبال اختیارات وسیع ضابطان در انجام تحقیقات، حقوق دفاعی متهمان در قبل و اثنای بازجویی به طور شفاف پیش‌بینی شود و مورد توجه قرار گیرد، اما مقررات دادرسی کیفری ایران، بیانگر آن است که مقنن، حقوق دفاعی متهمان را نزد ضابطان نارسا، مبهم و ضعیف پیش‌بینی کرده است. این وضعیت می‌تواند حقوق دفاعی اشخاص فوق‌الذکر را به شدت در معرض تهدید و تضییع قرار دهد. مقنن در خصوص رعایت حقوق دفاعی متهمان در حین ساز و کار مهم تحقیق، فقط در چند مورد خاص به صراحت سخن به میان آورده و در غالب موارد قضیه را به سکوت و ابهام برگزار نموده است.

۴-۳-۱- حق آگاه ساختن خانواده و آشنایان خود از تحت نظر بودن

ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «شخص تحت نظر می‌تواند بوسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند». بند ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع

صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند. این ماده متأسفانه فاقد ضمانت اجرا می‌باشد.

۴-۳-۲- حق آگاهی از موضوع و ادله اتهام انتسابی

تفہیم اتهام به معنی فہمانیدن عمیق آن به متہم و مفہومی دقیق‌تر از ابلاغ کتبی اتهام است. اصل ۳۲ قانون اساسی ضابطان دادگستری را ہنگام نگہداری تحت نظر متہمان، مکلف بہ تفہیم اتهام بہ ایشان کردہ است و لذا از حیث ہماہنگی با قانون اساسی مقنن عادی ہم باید در تأمین ہر چند بہتر حقوق دفاعی متہمان، موضوع تفہیم اتهام را تکلیف ضابطان دادگستری اعلام کند. مادہ ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری مکلفند نتیجہ اقدامات خود را فوری بہ دادستان اطلاع دہند. چنانچہ دادستان اقدامات انجام شدہ را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواہد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات بہ عمل آورند، اما نمی‌توانند متہم را تحت نظر نگہ دارند. چنانچہ در جرائم مشہود، نگہداری متہم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادلہ آن را بلافاصلہ و بہ طور کتبی بہ متہم ابلاغ و تفہیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی بہ اطلاع دادستان برسانند. در ہر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چہار ساعت متہم را تحت نظر قرار دہند.

۴-۳-۳- حق معاینہ پزشکی

حق معاینہ پزشکی از حقوقی است کہ برای اولین بار مورد تاکید مقنن ایران قرار گرفتہ است کہ بہ موجب مادہ ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «بنا بہ درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان بہ تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینہ بہ عمل می‌آورد. گواہی پزشک در پروندہ ثبت و ضبط می‌شود. رعایت مققرات مادہ ۵۱ در مورد متہمی کہ بہ دستور مقام قضایی جلب شدہ، ضروری است (خالقی، ۱۳۹۵: ۸۱). این امر در تبصرہ مادہ ۱۸۵ مورد اشارہ قرار گرفتہ است^۱. باتوجہ بہ اینکہ تبصرہ مورد اشارہ حق معاینہ پزشکی را برای متہمان جلب شدہ الزامی می‌داند اما متأسفانہ ضمانت اجرای خیلی محکمی برای آن در نظر گرفتہ نشدہ است و فقط بہ انفسال موقت از خدمات دولتی بسندہ کردہ است.

^۱ تبصرہ مادہ ۱۸۵: «رعایت مقررات مواد ۴۹ تا ۵۳ این قانون در خصوص متہمان موضوع این مادہ الزامی است.

۴-۳-۴- حق حضور وکیل در مرحله تحت نظر

حضور وکیل مدافع در مرحله تحت نظر مقررہ جدیدی است که در قانون سابق به صراحت مشخص نشده بود. پس از آنکه حق داشتن وکیل به شخص تحت نظر تفهیم شد وی می‌تواند با شروع تحت نظر قرار گرفتن تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل شخص تحت نظر بایستی با رعایت محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات با شخص تحت نظر ملاقات کند و این تکلیفی است که قانون گذار برعهده وکیل قرار داده است. در پایان ملاقات وکیل می‌تواند ملاحظات خود را که میتواند شامل لایحه دفاعیه باشد برای درج در پرونده ارائه دهد. ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی - کیفری ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد».

۴-۳-۵- حقوق مندرج در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در این باره مقرر می‌دارد: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد». ماده ۵۷۰ مقرر می‌دارد: «هریک از مقامات و مامورین دولتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

در خصوص ضمانت اجرای وظایف ضابطین دادگستری این نکته قابل اهمیت می‌باشد که طبق ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یکبار مورد بازرسی قرار می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید و دستورهای لازم را صادر می‌کند». و نیز این نکته که صراحتاً قانونگذار ضابطین دادگستری را مکلف کرده که حقوق

مندرج در قانون را به شخص تحت نظر تفهیم کند و به صورت مکتوب در اختیار او قرار دهد و رسید دریافت کند و ضمیمه پرونده کند ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند. تخلف از موارد فوق توسط ضابطین دادگستری موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است».

ماده ۶۳ از قانون مذکور در خصوص اینکه آیا عدم رعایت مقررات مذکور باعث ابطال تحقیقات و اقدامات توسط ضابطین دادگستری میشود یا خیر؟ می‌توان گفت اگر وفق ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاصی که مهارت‌های لازم با گذراندن دوره آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضبط بودن دادگستری را ندارند اینگونه اقدامات از منظر قانون بدون اعتبار است اما اگر عدم رعایت ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در تفهیم حقوق دفاعی متهم از سوی افراد ماده ۳۰ این قانون صورت بپذیرد یعنی افرادی که شرایط ضابط بودن را دارند. کارت ضابطین دادگستری را اخذ نموده اند. در خصوص اقدامات و تحقیقات آنان که آیا وجاهت قانونی داد یا خیر؟ قانونگذار ساکت است و فقط به مجازات ماده ۷ و ۶۳ این قانون بسنده کرده است.

نتیجه‌گیری

تحولات مربوط به وضعیت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در چهار محور اساسی دادرسی منصفانه در حال شکل‌گیری است: برابری با سایر طرف‌های دعوای کیفری، تضمین آزادی‌های فردی، اصل برائت و حقوق دفاعی. این تحولات، هدف آیین دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران را تغییر داده است. اگر مدت‌ها هدف آیین دادرسی کیفری از گذر افزایش اختیارات بازپرسان و دادیاران، تحقیق کشف بهتر حقیقت بود، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این هدف به سوی ایجاد توازن میان حقوق و آزادی‌های فردی و الزام‌های نظم و امنیت عمومی گام برداشته است. به موجب اصول دادرسی منصفانه، رعایت اصل سرعت در انجام تحقیقات مقدماتی دادرسی - کیفری که ناظر به اقدامات تدارک پرونده در پیش از محاکمه با انگیزه حمایت از منافع جامعه و بزه دیدگان صورت می‌گیرد، نباید موجب غفلت از اصل برائت به عنوان میراث مشترک حقوقی کشورها و به تبع حقوق دفاعی متهمان، به ویژه در امر بازجویی باشد. در بازجویی به عنوان مرکز ثقل تحقیقات مقدماتی، حسب اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و در مطابقت با اصول و

موازن دادرسی اسلامی، در راستای کشف حقیقت و حفظ حرمت و کرامت انسان‌ها و به منظور رفع اتهام روا یا ناروایی که به متهمان در فرآیند دادرسی نسبت داده می‌شود، حقوقی بنیادین موسوم به حقوق دفاعی پیش‌بینی شده است. حقوق مزبور مشمول در مرحله قبل و در اثنای بازجویی است. با این که مصادیق حقوق دفاعی متنوع است، اما با محوریت حفظ حرمت و کرامت انسانی و تقید راستین به اصل برائت مقرر گردیده است. مصادیق این حقوق در پیش درآمد ورود به بازجویی، تذکر به مواظبت در اظهارات یا هشدار به متهم نسبت به آثار مترتب بر اظهارات او در موقع محاکمه، تفهیم صریح اتهام با ذکر دلایل آن به زبانی که برای متهم قابل درک است، حق سکوت و داشتن وکیل به هنگام بازجویی و اعلام آن به متهمان، منع تأخیر از تفهیم اتهام و تعیین تکلیف ایشان به منظور آزادی یا صدور قرار تأمین مناسب به محض دستگیری یا حضور نزد قاضی یا هر مقام صالح دیگر در مدت زمانی معقول (غالباً حداکثر در مدت ۲۴ ساعت) است. در اثنای بازجویی محوریت مصادیق حقوق دفاعی، رعایت حق آزادی مطلق متهمان، احترام به کرامت انسانی و منع تعرض به حریم خصوصی ایشان در بیان اظهارات پیرامون اتهام است. به این منظور، هرگونه اذیت و آزار جسمی و روحی، طرح سؤال‌های القایی و غیرمفید و بی ارتباط به موضوع اتهام و اغفال متهمان ممنوع است. حقوق دفاعی فوق‌الذکر نه تنها باید هنگام انجام بازجویی توسط قضات رعایت شود، بلکه ضابطان دادگستری یا پلیس قضایی که حسب قانون یا نیابت قضایی به بازجویی اشخاص در مدت تحت نظر می‌پردازند، باید در نظام حقوقی پیش‌بینی یا در صورت محدودیت در برخی موارد با حفظ اصول دادرسی منصفانه، تعریف و مشخص شود. در نظام دادرسی کیفری ایران، برخی از حقوق دفاعی مورد اشاره اساساً پیش‌بینی نشده یا در وضعیتی مبهم و نارسا است. قطع نظر از فقد اعلام حق داشتن وکیل، حتی صرف حق داشتن و حضور او با اختیارات وسیعی که به قضات تحقیق با عناوین کشدار و نارسا و قابل تفسیر سلیقه‌ای در جلوگیری از ورود وکیل در موقع بازجویی متهم اعطا شده، در حاله‌ای از ابهام است. تذکر به مواظبت در اظهارات به صورت فرم چاپی در اختیار متهمان قرار گرفته است و قضات تحقیق و ضابطان دادگستری به صورت شفاهی و شفاف مبادرت به اعلام این حق و آثار بیان مطالب بازجویی نمی‌کنند. ضمانت اجرای بطلان تحقیقات ناشی از نقض حقوق دفاعی، به جز در موردی که اقرار متهمان ناشی از شکنجه‌های جسمی یا روحی باشد، مقرر نشده است. اعمال بازجویی از طریق روش‌های علمی و فناوری‌های نوین پیش‌بینی شده است، اما تعریف روش‌های مزبور و مصادیق آنها مشخص نیست. با این که ضابطان دادگستری در مواردی به امر تحقیقات و بازجویی می‌پردازند، اما قانونگذار جز در سه

مورد تکلیفی صریح برای رعایت سایر حقوق دفاعی برای ایشان مقرر نکرده است و این ابهام می‌تواند محل حقوق دفاعی باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- آخوندی، م. (۱۳۷۲). آیین دادرسی کیفری، ج ۱ و ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- آخوندی، م. (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری کاربردی، ج ۵، تهران: نشر میزان.
- ۳- آشوری، م. (۱۳۷۶). آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران: سازمان سمت.
- ۴- آشوری، م. (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری، ج ۲، تهران: سازمان سمت.
- ۵- آیین پور. (۱۳۶۱). جزوه کشف علمی جرایم، تهران: دادستانی کل انقلاب.
- ۶- استفانی، گ و لواسور، ژ و بولوک، ب. (۱۳۷۷). آیین دادرسی کیفری (فرانسه)، ج ۱ و ۲، ترجمه: حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۷- امیرارجمند، ا. (۱۳۸۰). مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، (قسمت اول اسناد جهانی)، ج ۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸- باقرپور، ی. (۱۳۸۴). تضمینات قانونی و اساسی در دادرسی و تحقیقات مقدماتی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه)، فصلنامه بصیرت، سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم.
- ۹- تدین، ع. (۱۳۸۸). ترجمه آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران: قوه قضاییه.
- ۱۰- تدین، ع. (۱۳۸۷). نظریه بطلان دلیل در فرآیند دادرسی کیفری (با تاکید بر حقوق فرانسه)، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره دوم، شماره سوم.
- ۱۱- خالقی، ع. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، تهران: شهردانش.
- ۱۲- زراعت، ع. (۱۳۹۰). بطلان در آیین دادرسی کیفری، تهران: میزان.
- ۱۳- زراعت، ع و حاجی زاده، ح و متولی، ی. (۱۳۸۷). قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی، تهران: خط سوم.
- ۱۴- ساقیان، م. م. (۱۳۹۳). تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم.
- ۱۵- شهیدی، م. (۱۳۴۰). موازین قضایی، تهران: چاپخانه علمی.
- ۱۶- کی نیا، م. (۱۳۶۷). جزوه روان شناسی جنایی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۷- مبین، ح. (۱۳۸۶). دادسرا و صلاحیت در آن، فصلنامه حقوقی گواه، شماره هشتم.

- ۱۸- موذن زادگان، ح. ع. (۱۳۸۹). تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره بیست و هشتم.
- ۱۹- موذن زادگان، ح. ع. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در مقررات کنونی و لایحه آیین دادرسی کیفری. دائرالمعارف علوم جنائی، کتاب دوم، تهران: میزان.
- ۲۰- موذن زادگان، ح. ع. (۱۳۷۳). پایان نامه دکتری با عنوان حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

قوانین و مقررات

- ۲۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸.
- ۲۲- اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹.
- ۲۳- قانون آیین دادرسی دادگاه-های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸
- ۲۴- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰.
- ۲۵- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- ۲۶- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
- ۲۷- قانون مجازات اسلامی تعزیرات ۱۳۷۵
- ۲۸- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۲۹- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.



The rights of the accused and the invalidity of the preliminary investigation; Challenges and requirements (in the Code of Criminal Procedure adopted in 1392 and subsequent amendments)

Masoud Fadaei Dehcheshmeh *

Asal Azimian **

Sajjad Jahanbazi Gojani ***

Abstract

Prior to the enactment of the Code of Criminal Procedure in 2013, the Iranian judicial system was in line with the investigative judicial system at the preliminary investigation stage, but with the innovations of the new law, especially in the field of promoting the defense rights of the accused, the situation has changed. The provision of criteria such as the right to inform the relatives of the accused, the right to a medical examination and the right to be informed of the rights of the defense are among the most important innovations of this law, which itself indicates an attempt to further the preliminary investigation. Installing the "Charter of the Rights of the Accused" in the corridors of police stations, courts and criminal courts in such a way that it is visible to the clients and the accused, so that they ask the law enforcers to observe these rights; It may have beneficial effects on the judicial reform process and the way criminal proceedings are conducted. Violation of the rights of others, including defendants, is an unforgivable sin, and hard-working judicial officers and judicial colleagues are also expected to make every effort to ensure strict observance. In the Code of Criminal Procedure adopted in 1392, failure to comply with the mandatory principles in the preliminary investigation stage has resulted in disciplinary punishment and there is no place that explicitly considers the guarantee of non-compliance with these principles in the preliminary investigation stage to invalidate the preliminary investigation. The comments of Articles 63, 106 and 196 of the said law confirm this opinion this research has been done as a documentary library. We first found a source in relation to the subject according to the subject and then studied the field by gathering resources.

Key Words

preliminary investigation, Defense Rights, judicial officer, Understanding the charge, The right to a lawyer

* Graduated in Law, Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran. Masoud.m.fadaei@gmail.com

** PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty Member, Department of Law, Faculty of Humanities, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran. (Supervisor and Responsible Author): avocate.ir@gmail.com

*** Graduated in Law, Correctional Management and Judicial Punishment, Faculty of Crime Prevention and Correction and Training, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. sjahanbazi1990@gmail.com